اعتراف ۲ مرد به قتل مادر و دختر

دو نفر که با ضربه‌های چاقو مادر و دختری را در خانه‌اشان در یکی از محله‌های شهر تایباد خراسان رضوی به قتل رسانده بودند، بازداشت شدند.

سید سلمان جلیلیان، دادستان عمومی و انقلاب تایباد به ایرنا گفت: شامگاه ۱۹ بهمن امسال گزارش قتل یك مادر و دختر تایبادی در محل زندگی‌شان به دادسرا و پلیس گزارش شد. با دستور بازپرس شعبه اول دادسرای تایباد، تحقیقات پلیسی برای رازگشایی از ماجرای قتل آنها آغاز شد. در جریان تحقیقات پلیسی رد دو نفر در این پرونده به دست آمد. آنها تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند و دو روز پیش در مخفیگاهشان بازداشت شدند.

وی افزود: متهمان در بازجویی پلیسی اظهاراتی ضد و نقیض مطرح کردند و مدعی شدند در ماجرای این جنایت نقشی نداشته‌اند. اما آن دو متهم در جریان تحقیقات بعدی اعتراف کردند مادر و دختر را با ضربه‌های چاقو به قتل رسانده‌اند. تحقیقات از متهمان در حالی ادامه دارد که آنها صحنه جنایت را بازسازی کرده‌اند.

سناریوی هولناك زن خیانتکار و پسر خاله رمال برای قتل شوهر

هوس مرگبار

زن خیانتکار با همدستی پسر خاله رمالش، نقشه قتل شوهرش را طراحی و اجرا کرد. متهمان قصد داشتند ۴۰ روز بعد از قتل با هم ازدواج کنند. جسد نیمه‌سوخته مقتول به طرز عجیبی در ماهدشت کرج پیدا شد. راز جنایت متهمان دو هفته قبل از این که جشن عروسی خود را برگزار کنند فاش شد و ماموران پلیس آگاهی استان البرز آنها را دستگیر کردند.

محمد غمخوار
گروه حوادث

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از ۲۸ دی ماه امسال و با کشف جسد نیمه‌سوخته‌ای در جاده شورقلعه در حوالی ماهدشت کرج در دستور کار پلیس قرار گرفت. در ادامه تیمی از ماموران راهی محل شده و با پیکر مردی رو به رو شدند که بر اثر اصابت ضربه‌های جسم سخت به سرش از پا درآمده بود.

راننده‌ای که جسد را پیدا کرده بود، در تحقیقات اولیه گفت: امروز در حال عبور از این منطقه بودم که ناگهان تعادل خودرو از دستم خارج شد و در کنار جاده واژگون شد. به‌سختی خودم را از ماشین بیرون کشیدم. در حال بررسی وضعیت خودرو بودم که با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. جسد نیمه‌سوخته مردی زیر خودروی پژو ۲۰۶ قرار داشت. سراسیمه با پلیس تماس گرفتم و موضوع را اطلاع دادم.

بررسی جسد نشان داد، از کمر به پایین سوخته است و به احتمال زیاد قاتل قصد داشته جسد را از بین ببرد اما موفق نشده است. با بررسی جیب‌های مقتول، چهار تراول ۵۰ هزار تومانی و مدارك هویتی کشف شد. با بررسی این مدارك، هویت مقتول شناسایی شد.

پس از تحقیقات در محل، با دستور ابراهیم مرادی، بازپرس جنایی کرج، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تیمی از ماموران تحقیقات در این باره را آغاز کردند.

ماموران در نخستین گام به تحقیق از همسر مقتول پرداختند که اظهار کرد: ۲۵ دی همراه همسرم و دو فرزندمان برای شرکت در یك مجلس ختم از آستانه اشرفیه به کرج آمدیم. همسرم ساعت ۴ بعدازظهر ۲۷ دی برای تعمیر خودرویش از خانه بیرون رفت و دیگر بازنگشت. به خاطر این‌که مسافربر است و پیش از این هم عادت داشت چند روز به خانه نیاید، ناپدید شدن او را جدی نگرفتم و شکایت نکردم تا این‌که با تماس پلیس متوجه قتل او شدم.

سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز در این‌باره به جام‌جم گفت: با ردیابی‌های پلیسی، ماموران متوجه اختلاف و درگیری لیلا و همسرش شده و تحقیقات را روی زن ۳۲ ساله متمرکز کردند. از سوی دیگر مشخص شد، مقتول آخرین‌بار با پسرخاله همسرش به نام میثم تماس گرفته است. از سوی دیگر کارآگاهان متوجه ارتباط پنهانی میثم و لیلا شدند.

وی افزود: با کشف این سرنخ‌ها، ۲۴ بهمن میثم دستگیر شد که در ابتدا منکر قتل شد، اما در ادامه لب به اعتراف گشود و مدعی شد برای ازدواج با دختر خاله‌اش، مرتکب این جنایت شده است. پس از این اعتراف تیمی از ماموران راهی آستانه اشرفیه شده و همسر مقتول را هم دستگیر کردند. زن جوان هم در تحقیقات به همدستی در طراحی نقشه قتل اعتراف کرد و مدعی شد، میثم به او گفته اگر ماجرا لو برود، به هیچ عنوان به همدستی لیلا در قتل اعتراف نمی‌کند.

رئیس پلیس آگاهی استان البرز خاطرنشان کرد: دو متهم دیگر هم در فریب مقتول و کشاندن او سر محل قرار و همچنین آتش زدن خودروی مقتول نقش داشتند که آنها هم دستگیر شدند. متهمان با دستور قضایی در بازداشت به سر می‌برند تا به زودی صحنه جنایت را بازسازی کنند.

با رمالی، زنان را سرکیسه می‌کردم

آرام در اتاق بازجویی نشسته و دستانش را دستبندهای سرد فولادی به هم گره زده است. در طول مصاحبه تلاش می‌کند همدستانش را بی‌گناه معرفی کند و همه تقصیر را به گردن بگیرد. میثم در گفت‌وگو با خبرنگار جام‌جم به تشریح این جنایت پرداخت که در ادامه می‌خوانید.

چند سال داری؟

۳۲ سال دارم.

تحصیلات؟

تا اول راهنمایی.

چرا ادامه ندادی؟

به درس علاقه‌ای نداشتم.

شغلت چه بود؟

شغل خاصی نداشتم. گاهی با رمالی و نوشتن نسخه خوشبختی، افراد ساده‌لوح را فریب داده و از آنها پول می‌گرفتم.

معتادی؟

شیشه می‌کشم.

مجردی؟

بله. یك مدت با زنی عقد موقت بودیم که تمام شد.

چند وقت است با دختر خاله‌ات در ارتباط هستی؟

حدود یك سالی می‌شود.

می‌دانستی متاهل است و دو بچه دارد؛ چرا با او وارد رابطه شدی؟

رابطه خاصی نبود. فقط با من درددل می‌کرد. کسی را نداشت که پشتیبانش باشد و من را مثل پشتیبان خودش می‌دید.

با شوهرش اختلاف داشت؟

لیلا می‌گفت که شوهرش همیشه او را کتك می‌زد و با او و فرزندانش رفتار خوبی نداشت.

چرا طلاق نگرفت؟

این قصد را داشت اما شوهرش تهدیدش کرده بود اگر طلاق بگیرد، روی سر دو فرزندشان بنزین می‌ریزد و آنها را آتش می‌زند. او خیلی بچه‌هایش را دوست داشت و به همین خاطر مجبور به زندگی در کنار آن مرد و تحمل رفتارش بود.

چه زمانی تصمیم به قتل گرفتی؟

چند ماه قبل یك بار لیلا از من خواست که از این وضعیت نجاتش بدهم. من هم تنها راهی که به ذهنم رسید، قتل شوهرش بود.

یعنی به خواست لیلا، شوهرش را کشتی؟

نه، او روحش هم از نقشه من خبر نداشت و بعد از قتل موضوع را به او گفتم که ناراحت شد و گفت نباید شوهرم را می‌کشتی و من هم در جواب گفتم کاری است که شده و دیگر او زنده نیست.

چطور نقشه قتل را اجرا کردی؟

با کمك برادرم و یکی از دوستانم. البته آنها در قتل نقشی نداشتند. می‌دانستم که مقتول مسافرکشی می‌کند. به همین خاطر دوستم با او تماس گرفت و خواست ما را به منطقه قلعه‌شور ببرد. شب بود و من روی صورتم را با کلاه پوشانده بودم تا مرا شناسایی نکند. به منطقه خلوتی که رسیدیم. با تبر ضربه‌ای به سرش زدم. بعد هم او را از ماشین بیرون آورده و سه ضربه دیگر زدم. برای اطمینان از مرگش خواستم گلوله به سرش شلیك کنم که سلاحم کار نکرد. خیلی ترسیده بودیم و فرار کردیم. ساعتی بعد دوباره به آنجا برگشتم و دیدم که مرده است. روی پاهایش بنزین ریختم و آتش زدم. خیلی ترسیده بودم و سریع از آنجا فرار کردم.

سلاح را از کجا خریدی؟

یك سال قبل به غرب کشور رفته بودم. آنجا از مردی به قیمت ۶۰۰ هزار تومان خریدم.

برای قتل خریدی؟

نه، دوست داشتم پلیس شوم و حتی بعد از سربازی قرار بود در نیروی انتظامی استخدام شوم اما خانواده‌ام اجازه ندادند. علاقه‌ام به پلیس‌بازی باعث شد سلاح بخرم.

چه زمانی ماجرای قتل را به لیلا گفتی؟

همان شبی که شوهرش را کشتم.

بعد از قتل می‌خواستید ازدواج کنید؟

بله. قرار بود بعد از چهلم مقتول که آب‌ها از آسیاب افتاد با هم ازدواج کنیم.

راننده خودروی واژگون شده وقتی از ماشین پیاده شد با جسد نیمه سوخته ای در زیر خودرواش روبه رو شد و با پلیس تماس گرفت

خودکشی داماد شکست‌خورده بعد از گروگانگیری

مرد خشمگین که ساکنان خانه باجناقش را به گروگان گرفته بود، پس از ناکامی در اجرای نقشه‌اش وقتی خود را در محاصره همسایه‌ها دید، خودکشی کرد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۴ و ۲۸ دقیقه یکشنبه بیست و هفتم بهمن امسال یکی از ماموران کلانتری نارمك با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از مرگ مشکوك مرد ۳۰ ساله‌ای در یکی از محله‌های شرق پایتخت خبر داد. با دستور بازپرس جنایی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا در محل حاضر شدند. آنها مشاهده کردند مرد جوان بر اثر ضربه‌هایی که به بدنش اصابت کرده، فوت شده و در چند قدمی وی نیز چاقویی که لکه‌های خون روی آن نقش بسته، افتاده است.

در این مرحله ماموران به تحقیق از همسایه‌ها پرداختند که معلوم شد آنها صدای کمك خواهی و فریاد از خانه مرد همسایه‌شان شنیده‌اند و زمانی که برای بررسی ماجرا از خانه‌هایشان به خیابان آمدند، مشاهده کردند مرد جوانی در حال فرار از خانه همسایه‌شان است. مرد غریبه چاقویی به دست داشت. سمتش رفتند تا او را خلع سلاح کنند و به پلیس تحویل دهند که موفق نشدند و مرد چاقو به دست در مقابل چشمان آنها با چاقویی که دستش بود ضربه‌هایی به خود زد که همین باعث مرگش شد.

در تحقیقات بعدی معلوم شد مردی که دست به خودکشی زده باجناق سابق همسایه‌شان بوده است. همچنین ماموران برای مشخص شدن سرنوشت اعضای خانواده‌ای که مرد فوت شده از خانه آنها فرار کرده و بیرون آمده، وارد خانه مورد نظر شدند. آنها زمانی که وارد آنجا شدند با صدای ناله و کمك خواهی رو به رو شدند. در بررسی از خانه در یکی از اتاق‌ها مرد صاحبخانه و فرد دیگری را زخمی یافتند و دو نفر دیگر را هم با دست و پا بسته یافته و نجات دادند. دو مرد زخمی به کمك امدادگران اورژانس به بیمارستان منتقل شدند. ماموران به تحقیق از نجات یافتگان پرداختند که یکی از آنها گفت: همگی همراه مرد صاحبخانه در خانه او بودیم که باجناق سابقش به زور و تهدید با چاقویی که به دست داشت وارد خانه وی شد و همه ما را تهدید کرد. بعد رو به باجناق سابقش کرد و گفت که باید طلاها و پول‌هایی که به زن سابقش داده، همراه هدایایی که آن زن پس نداده را به وی بازگرداند، در غیر این صورت بلایی سر وی می‌آورد.

وی افزود: او باجناقش و دو نفر دیگر را زخمی کرد و بعد من و فرد دیگری را تهدید و دست و پایمان را با طناب بست. چهار ساعت گروگان این مرد چاقو به دست بودیم و هر لحظه می‌ترسیدیم که ما را هم به قتل برساند. بعد از ناکامی در نقشه‌اش فرار کرد.

پرونده‌ای در این باره تشکیل شد و تحقیقات پلیسی درباره دیگر ابعاد این پرونده ادامه دارد.

محاکمه ۶ مامور پلیس به اتهام تیراندازی مرگبار

پرونده شش مامور پلیس که متهم هستند در جریان عملیات دستگیری متهم فراری با تیراندازی باعث مرگ سه نفر شده بودند، دوباره پای میز محاکمه قرار می‌گیرند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از چهارم آبان ۹۴ به دنبال تیراندازی شش مامور پلیس شهرسبزوار به یك خودروی پراید سفید در اتوبان خاوران تهران آغاز شد. درنتیجه این تیراندازی مرگبار، متهم فراری ۲۴ ساله، برادر ۳۰ ساله‌اش و دوست آنها بر اثر شلیك‌های گلوله پلیس کشته شدند و سرباز وظیفه‌ای که مسافر خودروی آنها بود نیز زخمی شد.

پرونده شش مامور پلیس با صدور کیفرخواست به شعبه دوم کیفری استان تهران ارسال شد. آنها مهر ۹۷ محاکمه شدند. اولیای دم سه فرد کشته شده خواستار قصاص شش مامور پلیس که اتهامشان مشارکت در قتل عمدی بود، شدند.

در جریان این محاکمه شش مامور پلیس به ترتیب در جایگاه دفاع از خود قرار گرفتند و گفتند که از پارك زیتون پاکدشت در تعقیب پراید مورد نظر بودند و ۲۰ کیلومتر آنها را تا اتوبان خاوران تعقیب کردند و حتی در تماس با ۱۱۰ و حتی کلانتری محل نیز درخواست نیروی کمکی کردند که نیرویی نیامد و بعد تیراندازی کردند.

بعد از پایان این جلسه بود که قضات دادگاه شش مامور پلیس را گناهکار دانستند و همه را به قصاص با پرداخت تفاضل دیه از سوی اولیای دم محکوم کردند که این رای با اعتراض ماموران به دیوان عالی کشور ارسال شد. این در حالی بود که چندی پیش قضات دیوان عالی کشور نقص‌هایی را به پرونده وارد دانستند بنابراین پرونده را دوباره به دادگاه صادرکننده رای ارسال کردند که از آنجا پرونده به شعبه سوم دادسرای جنایی تهران و نزد بازپرس ساسان غلامی ارسال شد. بازپرس به رفع نقص‌های تحقیقاتی پرداخت و صحنه تیراندازی دوباره بازسازی شد.

سرانجام هیات سه نفره کارشناسان رسمی دادگستری تهران بعد از حضور در محل تیراندازی مرگبار و بررسی آنجا و نحوه تیراندازی‌ها نظر دادند که ماموران هنگام تیراندازی به خودرویی که متهم تحت تعقیبشان در آن بوده، قانون به کارگیری سلاح را رعایت نکرده‌اند. بنابراین با رفع این نواقص، دیروز پرونده به دادگاه کیفری یك استان تهران ارسال شد تا شش مامور سبزواری برای دومین مرتبه پای میز محاکمه بنشینند و از خود دفاع کنند.

تشریح جنایت در جلسه محاکمه

پسر جوان، سر دایی معتادش را برید

مرد جوان که دایی معتادش را به طرز فجیعی به قتل رسانده و سر او را بریده بود، روز گذشته در دادگاه اتهام خود را پذیرفت و ادعا کرد اعتیاد دایی‌اش باعث درگیری میان آنها شده بود.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، پنجمین روز عید امسال رسیدگی به پرونده قتل مرد میانسال در محله نازی‌آباد آغاز شد. جسد سر بریده مقتول به نام جواد در خانه خواهرش توسط خواهرش و همسر او کشف شده بود. خواهر جواد در اولین اظهارات خود به پلیس گفت: چند سالی بود که برادرم از همسرش جدا شده بود و با ما زندگی می‌کرد. روز حادثه برای عید دیدنی به منزل اقوام رفته بودیم. وقتی برگشتیم جسد سر بریده او را دیدیم. تحقیقات پلیس برای یافتن ردی از عامل جنایت در حالی آغاز شد که ماموران به خواهرزاده مقتول به نام ناصر که قرار بود همان روز به خانه مادرش سری بزند مشکوك شده و او را مورد بازجویی قرار دادند. متهم در بازجویی‌ها گفت: روز حادثه با دایی‌ام بحثمان شد. او می‌خواست به من چاقو بزند، اما من با همان چاقو چند ضربه به او زدم و بعد هم سرش را بریدم.

با اعتراف متهم پرونده برای رسیدگی به شعبه هشتم دادگاه کیفری یك استان تهران ارجاع شد و روز گذشته ناصر پای میز محاکمه رفت. در ابتدای جلسه رسیدگی، سه دختر مقتول به عنوان اولیای دم تقاضای قصاص پسرعمه خود را به اتهام قتل پدرشان کردند. معاون اول قوه قضاییه نیز از سوی پسر صغیر مقتول تقاضای دیه کرد. سپس متهم در جایگاه دفاع قرار گرفت و گفت: قبول دارم دایی‌ام را به قتل رساندم، اما قتل عمد را قبول ندارم. روز حادثه بعد از پایان ساعت کاری به خانه پدرم رفتم تا سری به آنها بزنم. دایی‌ام در خانه تنها بود و به من گفت می‌خواهم مواد مخدر مصرف کنم. من خیلی ناراحت شدم و گفتم تو به من قول داده بودی که دیگر سمت مواد نروی. او هم گفت آخرین بار است که می‌خواهم مواد بکشم، اما من دست از سرش برنداشتم و گفتم نباید مواد مصرف کنی. با او درگیر شدم و او از جیبش یك چاقو درآورد و انگشت من را هم زخمی کرد. من در دفاع از خودم دستانش را گرفتم که یکدفعه چاقو به قلبش اصابت کرد. من قصد وارد کردن ضربه‌ای به او را نداشتم.

قاضی: تو چند ضربه به او وارد کرده و بعد هم سرش را بریدی. در بازجویی‌های قبل هم گفتی این اقدامات را از روی عصبانیت انجام داده بودی.

متهم: من در بازجویی عینك نداشتم و برای همین تمرکز نداشتم. آن روز وقتی دیدم دایی‌ام نقش زمین شد از روی ترس سرش را بریدم.

قضات دادگاه بعد از شنیدن دفاعیات متهم و وکیل او ختم جلسه را اعلام کرده و برای صدور رای وارد شور شدند.

تلنگر

مرگ خودخواسته دختر و پسر جوان

دختر ۲۱ ساله و پسر ۲۶ ساله به ترتیب در شهر قدس و تهران به طرز هولناکی به زندگی خود پایان دادند.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۰ و ۲۰ دقیقه صبح ۲۷ بهمن امسال یکی از ماموران کلانتری رازی با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و او را در جریان مرگ مشکوك دختری ۲۱ ساله در بیمارستان قرار داد. زمانی که ماموران پلیس جنایی پایتخت در بیمارستان حاضر شدند و به تحقیقات اولیه پرداختند، معلوم شد که او بر اثر مسمومیت با سم آفت‌کش در خانه‌شان در شهر قدس مسموم شده که همین باعث مرگ وی شده است. در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد او به خاطر مشکلاتی که در زندگی‌اش داشته ناامید شده و به همین خاطر به زندگی‌اش پایان داده است.

دومین فردی که خودکشی کرد، پسر ۲۶ ساله تهرانی بود که همزمان با کشف جسد او توسط خانواده‌اش در بالکن خانه‌شان، موضوع مرگ او از سوی کلانتری نواب به بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی پایتخت گزارش شد. زمانی که تیم تحقیق پلیس آگاهی در آن خانه حاضر شد، پی برد او با طنابی که به لوله گاز در بالکن بسته، خود را حلق‌آویز کرده است. ماموران با بررسی گوشی تلفن همراه پسر جوان متوجه شدند او چون با والدینش اختلاف‌های زیادی داشته و نتوانسته آن را حل کند، به زندگی‌اش پایان داده است.

مخالفت با درخواست آزادی سحر تبر

وکیل سحر تبر اعلام کرد، قاضی با تبدیل قرار بازداشت موکلم به قرار وثیقه موافقت نکرد.

پیام درفشان، وکیل فاطمه معروف به سحر تبر به فارس گفت: قاضی این پرونده با تبدیل قرار بازداشت موکلم به قرار وثیقه موافقت نکرد. موکلم همچنان در حبس است و دیگر متهمان این پرونده که سابقه بیماری روانی و ارتکاب جرم زیر سن قانونی ندارند، با قرار وثیقه یا کفالت در آزادی به سر می‌برند.

این وکیل ادامه داد: اتهامات موکلم معاونت در افساد فی‌الارض، تشویق به فساد از طریق تشویق جوانان به اباحه‌گری، توهین به مقدسات از طریق توهین به حجاب و تحصیل مال نامشروع عنوان شده است. این پرونده در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب مفتوح است و اولین جلسه دادگاه او ۲۳ دی برگزار شد و جلسه بعدی یکم اردیبهشت سال آینده برگزار خواهد شد.

نجات قهرمان پرورش اندام از مرگ

یکی از ورزشکاران رشته قوی‌ترین مردان ایران مورد حمله سارقان مسلح قرار گرفت و در بیمارستان بستری شد. به گزارش ایلنا، رامین فرج‌نژاد، یکی از شرکت‌کنندگان مسابقه مردان آهنین بامداد روز جمعه در شهر کرج مورد شلیك قرار گرفت و در بیمارستان بستری شد. رامین درباره این اتفاق می‌گوید: «ساعت ۲ نیمه شب خواب بودم. نگهبان باغ بیدارم کرد و گفت برادرت کامران با چند نفر درگیر شده و بیست سی نفر دارند او را می‌زنند. تا به محل درگیری رسیدم، دیدم هفت هشت نفر از آنها سلاح دارند و یکی از آنها تفنگ را گذاشته روی سر برادرم. تا به سمت شان دویدم، یکی از آنها با سلاح به شکم من شلیك کرد. مرا در بیمارستان نور شهر اندیشه بستری کردند و تحت عمل جراحی قرار گرفتم که حالم خوب است و از مرگ نجات یافتم.»

کشف جسد یخ‌زده زن میانسال

جسد یخ‌زده زنی در تبریز دیروز پیدا شد و پلیس را با معمای پیچیده‌ای روبه‌رو کرد.

وحید شادی‌نیا، سخنگوی اورژانس آذربایجان شرقی به ایسنا گفت: ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه دیروز امدادگران اورژانس گزارشی دریافت کردند مبنی بر این که خانمی بیهوش در محوطه سازمان عمران عون ابن علی در تبریز افتاده است. وقتی ماموران آنجا حاضر شدند، مشاهده کردند زن حدودا ۵۰ ساله براثر یخ‌زدگی فوت کرده است.